

چون این سوره مباحث فراوانی مربوط
بجنبه های اجتماعی و تاریخی اسلام در
بردارد و تفسیر آن برای عموم قابل
استفاده است ، لذا برای بخش تفسیر
انتخاب گردید .

سورۀ توبه

نهمین سوره ایست که مسلمانان آنرا تلاوت میکنند این سوره نامهای گوناگونی
دارد از جمله «توبه» است ، چه این کلمه و برخی از مشتقاتش در آیات این سوره بیشتر
استعمال شده است . گاهی آنرا سوره «برائة» نیز مینامند زیرا پیغمبر اکرم بوسیله
آیات این سوره برائت و بیزارى خود را از مشرکان و بت پرستان اعلام کرده است .
نام سوم آن «فاضح» است زیرا منافقان بر اثر نزول این سوره رسوا شدند . نامهای
دیگری هم دارد که هر کدام بمناسبتی بر آن اطلاق میشود .

علی علیه السلام سوره برائت را برای مشرکان میخواند

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از آنکه از غزوه «تبوك» مراجعت کرد ، در این صدد
بر آمد که خانه خدا را زیارت کند ، و از زاد گاه خود تجدید عهد نماید ، و اوضاع شهری
را که یکسال پیش بتصرف مسلمانان در آمده ، است از نزدیک مطالعه نماید و مراسم حج
و وظائف آنرا برای پیروان خود تعلیم کند ، هنوز تصمیم قطعی نگرفته بود که حادثه
زیر اتفاق افتاد :

در زمان جاهلیت : هنگامیکه کسی وارد (مکه) میشد و بالباس طواف مینمود

تفسیر قرآن ۳۶
آن لباس را صدقه میداد ، و اگر جامه دیگری نداشت لباسی عاریه میگرد و اگر عاریه ممکن نبود ناچار بود برهنه طواف کند ؛

روزی پس از فتح مکه یکی از زنان مشر کین با وضع زنده ای وارد مسجد الحرام شد چون جامه دیگری نداشت و نتوانست لباس دیگری هم از طریق عاریه تهیه کند . مجبور شد ، بزهنه طواف نماید ، و از این طریق از صدقه دادن لباسش استخلاص یافت . ناگفته پیداست ، برهنه طواف کردن يك زن در آن مجمع عمومی آنها با آن حرکات زننده که تاریخ متعرض آنست ، چه مفاسدی را در بر خواهد داشت ، گزارش فوق پیغمبر را از تصمیم خود منصرف نمود ؛ و آیاتی چند از سوره براءت را با بوبکر تعلیم کرد و او را مأمور نمود با چهل تن از اصحاب عازم مکه شوند و روز عید قربان آیات براءت و بیزاری و رفع هر گونه امان را برای مشرکان بخوانند هنوز ابو بکر مراحل اتمامی نکرده بود که جبرئیل نازل گردید ؛ و پیغمبر را با این جمله و یا قریب آن خطاب نمود : لا یؤدیها عنک الا انات اورجل هنک . « این آیات را شخصاً خودت یا کسیکه از تو است باید بمردم ابلاغ کند » در بعضی از روایات وارد شده : « یا مردی از اهل بیت خودت » از این جهت پیغمبر علی علیه السلام را طلبید و دستور داد که بر مر کب مخصوص وی سوار شود و جابر بن عبد الله را ملازم کاب علی نمود ، و فرمود : شتاب کن و در هر نقطه با بوبکر ملاقات کردی آیات را از او بگیر ، و در موقع حج برای مشرکان قرائت کن و این چهار فرمان را که از دستورات الهی است برای آنان بخوان :

(۱) جز مسلمان حق ندارد وارد خانه خدا شود .

(۲) هیچ کس برهنه طواف نکند .

(۳) بعد از این هیچ مشر کی حق ندارد در حج شرکت ورزد .

(۴) هر کافر یکبار سوا خدا پیمان دارد در پیمان خود باقی بماند تا مدت آن پسر

رسد و هر مشر کی پیمان ندارد و یا پیمان وی حد معینی نداشته است ، تا مدت چهار ماه از این روز (دهم ذیحجه) در امان است و پس از انقضاء این مدت اگر بتوحید و یکتا پرستی بگروند ، مانند سایر مسلمانان در رفاه خواهند بود و در غیر این صورت جانشان در خطر است .

سپس پیغمبر اکرم (ص) اضافه کرده فرمود: پس از آنکه آیات را از ابوبکر گرفت وی مخیر است که اگر مایل باشد مراجعت کند و اگر بخواهد، بسفر خود ادامه دهد و همراه تو بیاید»

علی (ع) حرکت کرد، تا آنکه در «جحفه» با آنان ملاقات نمود، پیام پیغمبر را رساند و آیات را تحویل گرفت و فرمود: مختاری بر کردی یا با من بیایی ابوبکر پس از آنکه مراجعت کرد این جمله را بحضرت عرض کرد: اهلتنی لاهر طالت الاعناق الیه، فلما صرت ببعض الطرق عزلتني منه ای رسول خدا مرا برای کاری اهل شمردی که گردنهای بسوی آن کشیده میشد (و هر کسی افتخار امثال آن را در دل می‌پروراند) ولی هنگامیکه مقداری راه پیمودم مرا عزل نمودی، سپس اضافه کرد آیات را باره من چیزی نازل گردیده است حضرت فرمود: نه، ولی جبرئیل آمد و از طرف آفریدگار پیامی رساند و آن اینست که: این آیات را با باید خودم ابلاغ کنم و یا مردی که از خودم باشد.

امیر مؤمنان پس از آنکه وارد مکه شد در همان روز معین بالای «جمره عقبه» قرار گرفت، و فرامین چهار گانه رسول اکرم را رساند، و آیاتی چند از سوره براءت را تلاوت نمود، سپس قبائلی را که نقض پیمان کرده بودند و یا پیمان آنان حدمعینی نداشت آگاه نمود که فقط چهار ماه میتوانند از این آزادی در سایه حکومت اسلام که در محیط مکه و سائر نقاط عربستان بوجود آمده است، برخوردار شوند.

این آیات آثار روحی عجیبی در دل مشرکان گذارده هنوز چهار ماه سپری نشده بود که فوج فوج مردم اسلام پذیرفته و در عداد مسلمانان قرار گرفتند.

سرگذشت فوق یکی از فضائل غیر قابل انکار امیر مؤمنان (ع) است که موافق و مخالف آنرا نقل کرده اند، و آنچه تا حال بدست آمده است تنها هفتاد و سه تن از اکابر علمای سنت، فضیلت مزبور را در کتابهای خود نوشته اند، دانشمند معروف اهل تسنن شیخ شمس الدین مالکی که در سال ۷۸۰ چشم از جهان بر بسته است، در قصیده که در مدح خلفاء سروده است در این باره چنین میگوید:

وارسله عنه الرسول مبلغا
 وقال: هل التبليغ عنى ينبئى
 وخص بهذا الامر اخصيص مفرد
 لمن ليس من بيتى من القوم فافتدى
 در شماره آینده در باره علل اجتماعى و حقوقى و سياسى اين قطعنامه بحث خواهيم نمود.

كسانيكه ميخواهند سر گذشت مزبور را بطور محققانه بر رسى كنند و جريان را بطور تفصيل در كتابهاى سنين ملاحظه نمايند بمدارك زير مراجعه فرمايند (۱).

هدف سوره و محل نزول آن

مطالعه دقيق در آيات اين سوره كه شماره آنها از (۱۳۰) تجاوز ميكند به ثبوت ميرساند كه اين سوره پس از هجرت پيغمبر اسلام (ص) و نير و مند شدن مسلمانان نازل شده است زيرا در اين سوره به نقشه قريش كه ميخواستند پيغمبر را از مكه بيرون كنند اشاره شده است (آيه ۱۳) مفسرين اتفاق دارند كه اين سوره در سال نهم هجرت نازل گرديد: گواه گفتار آنان علاوه بر اخبار و تواريخ خود سوره است زيرا در آيه (۲۵) خدا بر مؤمنان منت ميگذارد كه در جاهاي مختلف با آنان كمك كرده است از آن جمله جنگ حنين، كه پس از فتح مكه پيش آمد و فتح مكه در سال هشتم هجرت اتفاق افتاده و باز خواهد ديگرى در سوره نيز هست اين سوره هدفهاى مختلفى دارد و موضوعات گوناگونى را مورد بحث قرار داده است، و غالباً بحثهايش در پيرامون موضوعاتى است كه در سوره

(۱) تفسير طبرى ج ۱۰ ص ۴۶

تفسير ابن كثير ج ۲ ص ۳۳۳

در المنثور ج ۳ ص ۲۰۹

سنن يهينى ج ۹ ص ۲۲۴

تفسير المنار: ج ۱۰ ص ۱۸۸

«انفال» (سوره هشتم) از آنها گفتگو شده است، مثلاً موضوعاتی که در سوره «انفال» از آنها سخن به میان آمده است عبارتند از: اهمیت عهد و پیمان، لزوم جنگ با مشرکان و اهل کتاب، حمایت بت پرستان از مسجد الحرام و قانونی نبودن آن، اوصاف و ثمنان و کافران، تشویق بانفاق در راه خدا، تشریح وضع منافقین و افرادی که دل‌های آنان بیمار است و... که در سوره «انفال» که قبل از این سوره است، از آنها بحث شده است اتفاقاً همین موضوعات نیز در این سوره بطور مبسوط تشریح گردیده است، همین توافق و هماهنگی در هدف و اتحاد در موضوعات سبب شده که برخی معتقد شوند که این دو سوره در واقع یک سوره است.

علت نبودن «بسم الله» در اول این سوره

گاهی مطلب فوق را از این راه توضیح می‌کنند که چون این دو سوره بمنزله یک سوره است لذا در آغاز آن «بسم الله» ذکر نشده است، و برخی می‌گویند که مضامین آیات این سوره که متضمن بیزاری خدا و پیغمبر گرامی او از مشرکان است و قطعنامه ایست از ناحیه شارع مقدس اسلام که مشرکان فقط چهار ماه می‌توانند آزادانه بگردند، و پس از انقضای مدت مزبور، باید یکی از دو مطلب: اسلام یا جنگ را انتخاب کنند، از این لحاظ «بسم الله» که نشانه رحمت و رأفت و مهربانی است در اول آن قرار نگرفته است ممکن است جهت دیگری نیز در کار باشد که برای آن جهت «بسم الله» در آغاز این سوره نوشته نشده است.

آنچه در این مقاله تشریح شد جنبه مقدماتی داشت بخواست خدا از شماره آینده

به تفسیر آیات و تشریح مضامین آن می‌پردازیم.